



حسین موسویان در مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی آمریکا:
تحولات منطقه از سوی آیت‌الله خامنه‌ای
پیش‌بینی شده بود
 خبرگزاری فارس: آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کرده‌بود که قیامی جهانی علیه آمریکا در حال آغاز شدن است و بیداری اسلامی اخیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای را درباره سقوط آمریکا در منطقه و فراتر از آن تقویت کرد.

Tweet 0 Like 0

به گزارش فارس، حسین موسویان محقق دانشکده امور عمومی و بین‌المللی «وودرو ویلسون» دانشگاه «پرینستون» در مقاله‌ای با عنوان «فرصتی برای تغییر الگوی روابط ایران-آمریکا» در مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی آمریکا به تشریح اوضاع منطقه و لزوم همکاری ایران و آمریکا به عنوان دو بازیگر و میابجی مهم منطقه می‌پردازد؛ وی از سال 2003 تا 2005 سخنگوی ایران در مذاکرات هسته‌ای با اتحادیه اروپا بود.

وی همچنین نویسنده مقاله «تاریخچه بحران هسته‌ای ایران» است که توسط موسسه صلح بین‌المللی «کارنگی» در ژوئن 2012 منتشر شد. بخش اول مقاله وی در مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی آمریکا را در زیر می‌خوانید.

منطقه اعراب امروزه کاملاً درگیر هرج و مرج و بی‌ثباتی است: فلسطین در خون، عراق در آتش، سوریه در انفجار، کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس در نگرانی و ترس، لبنان در خشم، افغانستان ویران و ایران در مرکز اختلافات بین‌المللی است.

*** 84 درصد از اعراب به آمریکا و اسرائیل به عنوان تهدید می‌نگرند**

مسائل حل نشده تاریخی و مناقشات باقیمانده بین کشورها نیز به این هرج و مرج اضافه شده است. خیابان‌های عربی از سال گذشته و با آغاز قیام‌ها در تونس همچنان توسط مردم تسخیر شده‌اند تا از شر ناپسامانی‌های سیاسی و فرهنگ استبداد رهایی یابند.

آمریکا به عنوان یک ابرقدرت منافع درازمدتی را در خاورمیانه دارد و به همین دلیل به این منطقه ناآشنا نیست. متأسفانه تسلط مداوم آمریکا در خاورمیانه با سیاست‌های ویران‌کننده‌اش در حال از بین بردن توازن راهبردی در منطقه و ایجاد تنش‌های داخلی/منطقه‌ای با تبعات جدی صلح و امنیت کل منطقه است.

سیاست‌های ویرانگر آمریکا در خاورمیانه تاکنون منجر به بیزاری کامل مردم منطقه از این کشور شده است. نظرسنجی اخیر که برای اولین بار در 12 کشور عرب انجام شد و شامل 84 درصد از جمعیت جهان عرب می‌شود، نشان داد که 93.75 درصد از مردم به آمریکا و اسرائیل به عنوان تهدید منافع کشورشان می‌نگرند.

*** همکاری ایران و آمریکا منجر به ثبات منطقه می‌شود**

افزایش احساسات ضدآمریکایی در جهان عرب بر هیچکس پوشیده نیست. یکی از درس‌های تاریخی که آمریکا نباید آن را فراموش کند این است که تکیه بیش از حدش به حکومت‌های غیردموکرات و دیکتاتورهای مستبد جهان عرب با منافع درازمدت این کشور همخوانی نداشته و منجر به ثبات منطقه‌ای و جهانی نمی‌شود. تغییرات سیاسی و اجتماعی که اکنون در حال شکل‌گیری در جهان عرب است فرصتی برای آمریکا برای بازنگری در سیاست‌هایش و اتخاذ رویکردی جدید نسبت به منطقه از جمله ایران تلقی می‌شود.

واکنش سخنگوی شورای نگهبان به ادعای رفسنجانی
 دیدار اقبال مختلف مردم با رهبر معظم انقلاب
 اظهارات تند سرمری‌کره علیه ایران
 فیلم/ انتقاد پناهیان از صداوسیما
 برخی فقط با لباس رزمنده‌ها عکس یادگاری گرفتند/ اگر کدخدایی آمریکا را قبول دارید مثل آنها عمل کنید
 عارف با دلخوری رفت
 واکنش آیت‌الله مصباح‌یزدی به اظهارات روحانی و مذاکره با آمریکا / آمریکا سبلی خورده ایران است
 مخفی‌گاه تک تیراندازها+فیلم
 نکته جالب در پوستر یک کاندیدا
 دابی:باقری هنوز با باشگاه به توافق نرسیده است/پرسپولیس بازیکن عاشق می‌خواهد

اظهارات تند سرمری‌کره علیه ایران
 دابی:باقری هنوز با باشگاه به توافق نرسیده است/پرسپولیس بازیکن عاشق می‌خواهد
 فیلم/ انتقاد پناهیان از صداوسیما
 انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود/ اگر شکست بخوریم برای 4 سال بعد خود را سازماندهی می‌کنیم
 ناگفته‌های کدخدایی از بررسی صلاحیت‌ها/ توصیه‌ای برای کاندیداها

صفحه اصلی
 عناوین کل اخبار
 اخبار برگزیده

- انتخابات ۹۲
- اجتماعی
- اقتصادی
- بین الملل
- سیاسی
- دانشگاه
- فرهنگی
- ورزشی
- استانها
- عکس
- طرح و کاریکاتور
- صوت و تصویر
- سیاست خارجی
- دیدگاه
- خوانندگی ها
- اخبار ویژه
- فضای مجازی
- حماسه و مقاومت
- دیپلماسی عمومی و جنگ نرم
- بیداری اسلامی
- تحولات سوریه
- انتشارات

- جستجو
- ارتباط با ما
- سخن ما
- پیوندها
- تلیفات در سایت
- اعلام مشکلات سایت
- نسخه های RSS

22 خرداد 1392 آرشیو

واشنگتن برای اطمینان از راهبردی موفق باید به جای کاخ‌ها روی خیابان‌های خاورمیانه سرمایه‌گذاری کند. تغییر الگوی آمریکا نیازمند روایتی جدید با اسلام‌گرایان میانه‌رو در کشورهای اسلامی است تا آنها بتوانند ایجاد ساختار امنیت منطقه‌ای و دموکراسی پایدار را تسهیل کنند. گفت‌وگو و تعامل تنها راه برای ساختن پل‌هایی به سوی راه صلح و آرامش است.

انقلاب‌های اخیر در منطقه اگر به درستی مدیریت نشوند می‌توانند منجر به هرج و مرج منطقه‌ای تا حدی غیرقابل تصور شده و منطقه را دچار بی‌ثباتی دائمی کنند. آمریکا و ایران به عنوان دو میانجی منطقه‌ای به منظور تغییر این سناریو باید نقشی سازنده را از طریق تعامل و همکاری دوجانبه ایفا کنند. چنین موضعی نه تنها در جهت منافع ملی دو طرف است بلکه وضعیت محیط منطقه‌ای را نیز بهبود می‌بخشد. واشنگتن به منظور درک این هدف باید نقش مشروع و منافع ایران در منطقه را به رسمیت بشناسد. این گام تعامل ایران و آمریکا را در راهبردی گسترده‌تر که منجر به دستیابی دو طرف به اهداف امنیتی و رفع نگرانی‌هایشان می‌شود، تسهیل می‌کند. همچنین این اقدام در نهایت احتمال دستیابی ایران و آمریکا به توافق بزرگ را درباره مسائل باقیمانده دوجانبه از جمله مسائل هسته‌ای افزایش می‌دهد.

* تحولات منطقه از سوی آیت‌الله خامنه‌ای پیش‌بینی شده بود

سال گذشته آینده خاورمیانه را بسیار متزلزل کرد اما چیزی نبود که انتظار آن را نداشته باشیم. اوایل سال 2000 هنگامی که من به عنوان رئیس کمیته سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی خدمت می‌کردم، ارزیابی اطلاعات ملی ما تاکید می‌کرد که خاورمیانه در آستانه تغییراتی بزرگ است؛ آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، به طور علنی اعلام کرد که قیامی جهانی علیه آمریکا در حال آغاز شدن است.

بیداری اسلامی اخیر که از سوی غرب بهار عربی خوانده می‌شود، نظر آیت‌الله خامنه‌ای را درباره سقوط آمریکا در منطقه و فراتر از آن تقویت کرد. ایشان نتیجه‌گیری کردند که تحولات اخیر در منطقه نشان‌دهنده «از بین رفتن تسلط آمریکا و اینکه سیستم کاپیتالیستی کاملاً به بن‌بست رسیده است و این در حالی است که جهان در موقعیتی تاریخی قرار دارد که ملت ایران و ملت‌های مسلمان می‌توانند نقشی اساسی را در پیشبرد ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان ایفا کنند.» ایشان همچنین ابراز اطمینان کردند که «پیشرفت هویت اسلامی از هر زمان دیگری قویتر شده و تسلط آمریکا و اسرائیل را در منطقه تضعیف کرده است.»

بیداری عربی تغییراتی فاحش را در بدنه سیاسی و اجتماعی منطقه خصوصاً با سقوط حسنی مبارک در مصر، زین‌العابدین بن علی در تونس و علی عبدالله صالح در یمن به وجود آورد. دو موضوع این حوادث را به یکدیگر پیوند می‌دهد: اول اینکه آنها همگی دیکتاتورهای بودند که تحت حمایت آمریکا، اسرائیل و غرب قرار داشتند. دوم اینکه اسلام‌گرایان از طریق انتخابات مردمی به فاتحان مسلم تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، بیداری عربی اوضاع در بسیاری کشورها با ظهور رقبای جدید در منطقه و جهان تغییر داده است. در واقع روبرویی میان قدرت‌های منطقه‌ای منتج به اختلاف میان شیعیان و سنی‌ها در جهان اسلام شده است. این مسئله به صورت دوئلی میان رهبری مسلمانان شیعه و ایران به عنوان سکندار آن و شاخه سلفی/وهابی اسلام اهل سنت به رهبری عربستان سعودی که قصد جلوگیری از نفوذ و اهداف منطقه‌ای ایران دارد، نمود پیدا کرده است.

* کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از تغییرات جدید مصون نیستند

موج تغییرات در منطقه کشورهای حاشیه خلیج فارس که حکومتشان را عده معدودی از خانواده‌ها به عهده دارند و دهه‌هاست در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند، مصون نکرده است. بحری نمونه‌ای از اختلافات بر سر واکنش‌ها به قیام‌های منطقه‌ای رخ داده است. غرب به صورتی مشکوک در برابر حمله نظامی مارس 2011 به بحری سکوت کرد که منجر به سرکوب بی‌رحمانه تظاهرکنندگان طرفدار دموکراسی توسط دولت این کشور شد و صدها غیرنظامی در آن کشته و زخمی شدند.

این موضوع بار دیگر آمریکا را در موضع ناخوشایند برخورد با متحد راهبردی عربی قرار داد که با مردم خود رو در رو شده است. در عین حال سه حوزه به طور خاص وجود دارند که در آنها خصومت درازمدت میان ایران و آمریکا در اثنای بی‌ثباتی و تروریسم فزاینده قطعاً منتج به اختلاف نظر و نه توافق در خاورمیانه می‌شوند و برای منطقه و روابط ایران و آمریکا از اهمیت برخوردارند: افغانستان، عراق و سوریه.

* نعلل در استفاده از فرصت‌ها در افغانستان و عراق

ایران پس از حملات 11 سپتامبر با فرار گرفتن در کنار آمریکا در افغانستان و فراهم کردن تسلیحات، تجهیزات و توصیه‌های تاکتیکی به ائتلاف شمال نقشی مهم را بازی کرد. ایران همچنان یکی از بانفوذترین کشورها در افغانستان و طرف مذاکره ضروری، اگر نگویم شریک، هرگونه روند دیپلماتیک منطقه یا چندجانبه است تا درگیری در این کشور محدود شود. از طریق این مشارکت، طالبان از قدرت ساقط شدند، القاعده تضعیف شد و دولتی جدید در کابل شکل گرفت، شکستی مفتضحانه که به حامیان ایدئولوژیک، تاکتیکی و اقتصادی طالبان یعنی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی وارد آمد.

جنگ متعاقب و دنباله‌دار در افغانستان تریلیون‌ها دلار هزینه داشته و هزاران نفر در آن کشته شده‌اند به طوری که اقتصاد آمریکا و موضع آن در منطقه تضعیف شده است. آینده افغانستان همچنان در هاله‌ای از ابهام است. اما همکاری ایران و آمریکا همچنان عاملی مهم در احیای صلح و ثبات در افغانستان محسوب می‌شود.

* ایران بزرگترین برنده حمله آمریکا به عراق بود

درباره عراق نیز سالها پیش از انقلاب اسلامی 1979 شاه ایران به صدام به عنوان تهدید شماره یک منطقه‌ای خود نگاه می‌کرد. این روند تا پس از انقلاب نیز خصوصا با جنگ صدام علیه ایران ادامه یافت که منجر به کشته و زخمی شدن میلیون‌ها تن از دو کشور شد. اما در اقدامی مغایر با این رویداد، حمله آمریکا به عراق در سال 2003 رخ داد که در آن رژیم صدام سرنگون شد و تعادل قدرت در منطقه و صحنه داخلی در عراق یک‌شبه تغییر کرد. هم ایران و هم آمریکا روابط خود را با دولت شیعه در عراق مستحکم کرده‌اند و خواستار ثبات و ریشه‌کنی گروه‌های تندرو مسئول خشونت‌ها در کشوری هستند که از سال 2003 تاکنون دهها هزار تن در آن کشته شده‌اند.

بار دیگر حمله به عراق تریلیون‌ها دلار و هزاران کشته و زخمی برای آمریکا هزینه داشته که اقتصاد این کشور و جایگاه منطقه‌ای آن را تضعیف کرد. گرچه ایران بزرگترین برنده حمله آمریکا به عراق بود اما امنیت و ثبات پایدار در عراق نیازمند همکاری واشنگتن و تهران است. در عین حال ایران از زمان حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال 1982 نفوذ خود را با ایجاد حزب‌الله برای رهبری مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل افزایش داده است. این گروه به عنوان قویترین گروه سیاسی و نظامی در لبنان شناخته می‌شود و رهبری آن را سید حسن نصرالله به عهده دارد. پیروزی نهایی حزب‌الله با مقاومت موفقیت‌آمیز علیه تجاوز اسرائیل در جنگ 33 روزه در سال 2006 بدست آمد. بنابراین، نقش تهران در هرگونه ایجاد ثبات در لبنان مهم خواهد بود و عاقلانه است که آمریکا و متحدان عربی در چارچوبی با یکدیگر همکاری کنند که در آن منافع و نفوذ گسترده ایران و سوریه در لبنان در نظر گرفته شود.

* آتش‌افروزی بزرگ در سوریه

نقطه کانونی رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اکنون در سوریه آغاز شده که ایران و آمریکا نیز جزئی از آن هستند. همه طرف‌ها وارد جنگ شده‌اند و به شدت هدفشان را تا زمانی که طرف دیگر شکست بخورد، دنبال می‌کنند. خطرات زیاد است زیرا برنده این نبرد نقش بسیار بزرگی در شکل‌دهی به آینده منطقه خواهد داشت. هر دو طرف خواستار بازی هستند که در آن خودشان برنده بوده و طرف دیگر بازنده شود. اما حقیقت این است که سوریه می‌تواند تنها جرقه یک فوران باشد که منجر به درگیری غیرقابل کنترل در منطقه شود خصوصا اینکه رها کردن اوضاع در سوریه و ادامه حوادث کنونی به احتمال زیاد نتیجه باخت-باخت را برای آمریکا، کل منطقه و حتی بسیاری از دیگر کشورها می‌شود.

ترکیب منطقه‌ای و بین‌المللی درباره بحران سوریه شامل ائتلاف شرقی شامل روسیه، چین، ایران، عراق، حزب‌الله و دولت اسد علیه ائتلاف غربی شامل آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی می‌شود. اتحاد غرب به سلفی‌ها که ستون فقرات القاعده را تشکیل می‌دهند و جنگجویان تندروی سنی برای انجام حملات زمینی علیه دولت اسد تکیه کرده است.

این جنگجویان بول، سلاح، اطلاعات و حمایت سیاسی خود را از کشورهایی مانند عربستان سعودی و قطر دریافت می‌کنند و مشخص است که همسایگان سوریه در حال کمک به وخامت بحران با تغییر حکومت در سوریه هستند. در حال حاضر، روسها و چینی‌ها با وتو کردن سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که خواستار دخالت نظامی در سوریه شده بود، در برابر ائتلاف غرب مقاومت کرده‌اند.

این مسئله مشخص کرد که مقاومت در برابر ائتلاف غرب بیشتر به خاطر موضع در حال تضعیف آمریکا و کشورهای غربی در خاورمیانه و امور جهان افزایش یافته است. علاوه بر این، ایران به عنوان متحد راهبردی مهم سوریه در منطقه منبع مهمی از قدرت برای موضع مسکو-پکن محسوب می‌شود. در حالی که دولت اسد دچار آشفتگی شده است، روابط ایران و سوریه به موضوعی حیاتی برای دولت اسد تبدیل شده تا بتواند قدرت خود را حفظ کند. ایران نیز به نوبه خود حمایت سیاسی از دولت دمشق را برغم اینکه با تاکتیک‌های اسد برای سرکوب کردن مخالفان داخلی موافق نیست، حفظ کرده است.

تازه‌ترین اقدامات شدید نظامی علیه شورشیان نشان می‌دهد که دولت اسد به سرکوب خود ادامه می‌دهد و قصد دارد وفاداری تعداد قابل توجهی از علوی‌ها را حفظ کند. دیگر گروه‌های سنی نیز احتمالاً به مقاومت و مبارزه ادامه می‌دهند. بنابراین، پیچیدگی‌های بیشتر زمانی ظهور می‌کنند که رقیب بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی بر شدت جنگ داخلی در این کشور بر مبنای خطوط قومی و مذهبی بیافزایند.

*** در صورت تشدید اختلافات قومی در سوریه هیچ کس برنده جنگ در این کشور نخواهد بود**

احتمال این مسئله وجود دارد که سنی‌های تندروتر مانند سلفی‌ها در سوریه ظهور کرده و از این آشفتگی برای پیشبرد اهداف تندروانه خود استفاده کنند. اختلافات قومی در سوریه به مرزهای این کشور محدود نخواهد بود و به کل منطقه از جمله ترکیه و عراق، عربستان سعودی، بحرین و کشورهای حاشیه خلیج فارس و در نهایت اسرائیل سرایت می‌کند.

اگر چنین سناریویی شکل بگیرد، هیچ کس برنده نخواهد شد. از نظر من ایران و ترکیه به طور کامل از ناامنی قومی در منطقه سالم بیرون نمی‌آیند. احتمالاً تنها این دو کشور با منابع انسانی گسترده، هویت ملی قوی و امنیت و ثبات داخلی قدرتمند قادر به مقاومت و حفظ بقای خود خواهند بود. ایران و ترکیه (به همراه متحدان آمریکایی و عرب ترکیه) در حال حاضر در حال شعله‌ور کردن رقابت منطقه‌ای در سوریه و فراتر از آن هستند و این در حالی است که روسیه و آمریکا از نظر بین‌المللی به وخامت آن می‌افزایند. ترکیه و ایران به جای افزایش اختلافات باید از نفوذ و اهرم‌هایشان برای هماهنگ کردن مدیریت بحران بین‌المللی و منطقه‌ای برای منطقه استفاده کنند.

ادامه دارد...

انتهای پیام/2012x7

۲۰

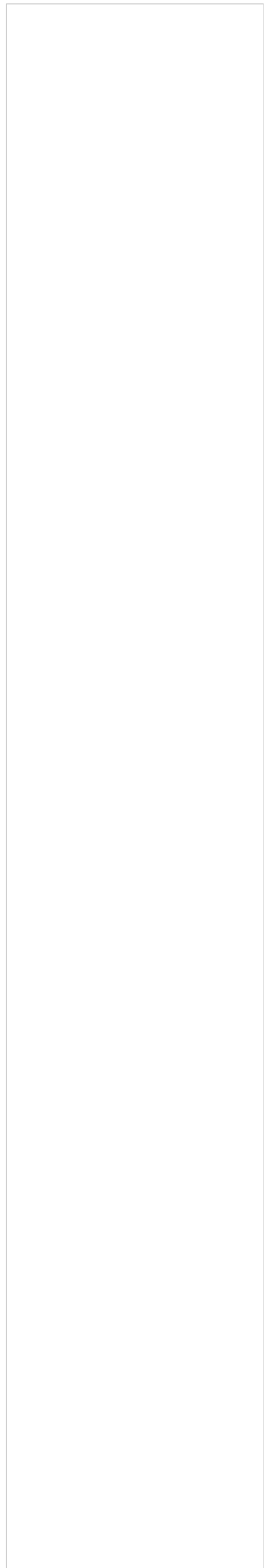
دیدگاه های ارسال شده توسط شما، پس از تایید توسط خبرگزاری فارس در وب سایت منتشر خواهد شد
پیام هایی که حاوی تهمت یا افترا باشد منتشر نخواهد شد
پیام هایی که به غیر از زبان فارسی یا غیر مرتبط با خبر باشد منتشر نخواهد شد

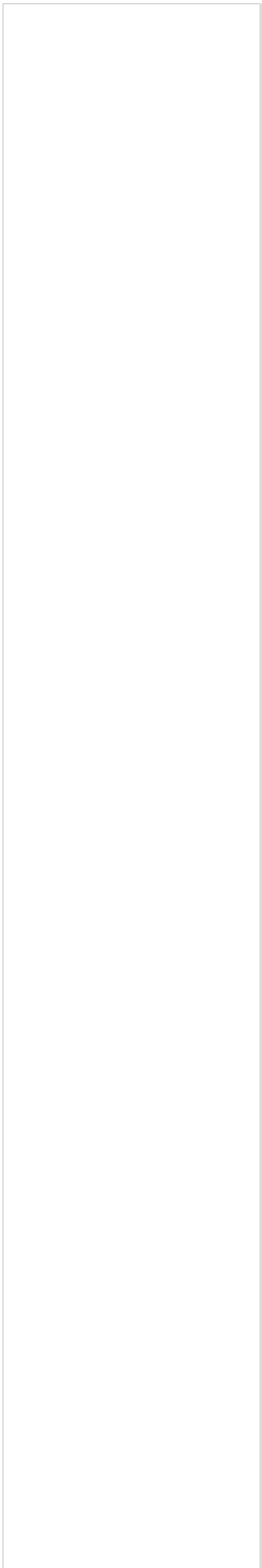
دیدگاه خود را درباره این خبر بنویسید

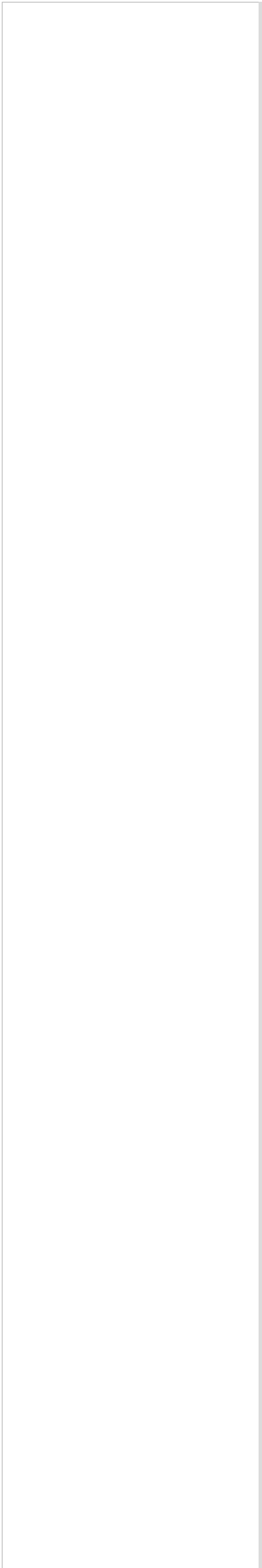
نام شما

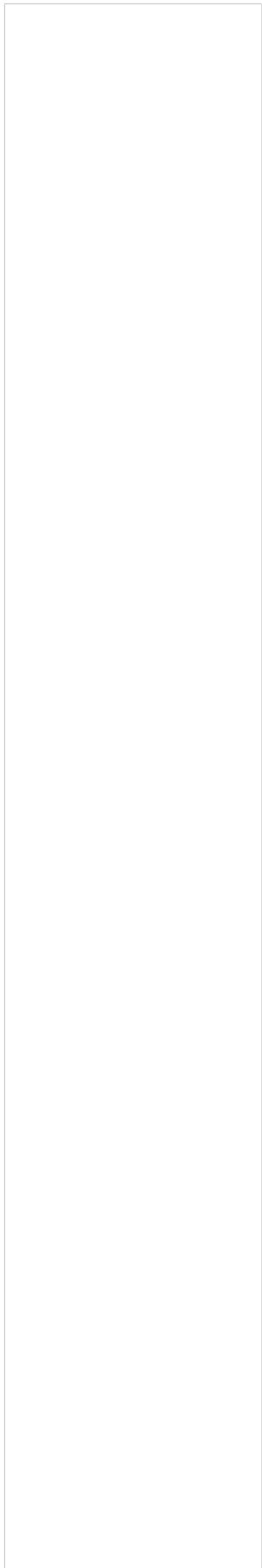
پست الکترونیک

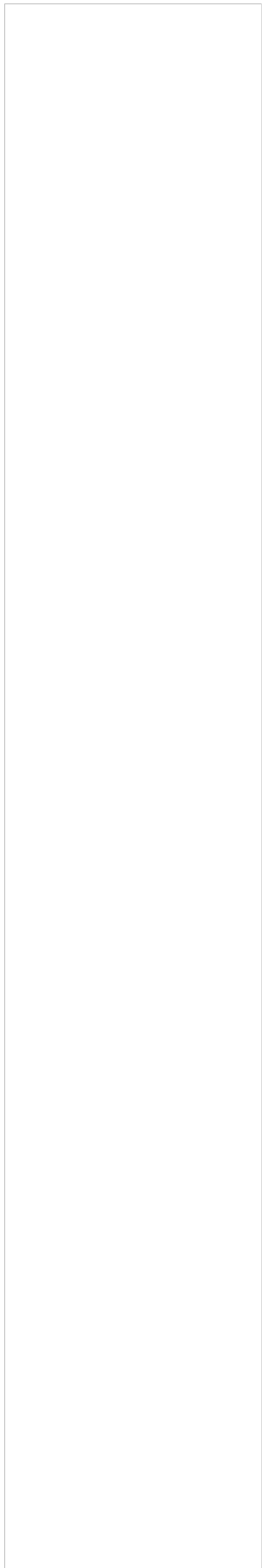
کلید را به چپ بکشید

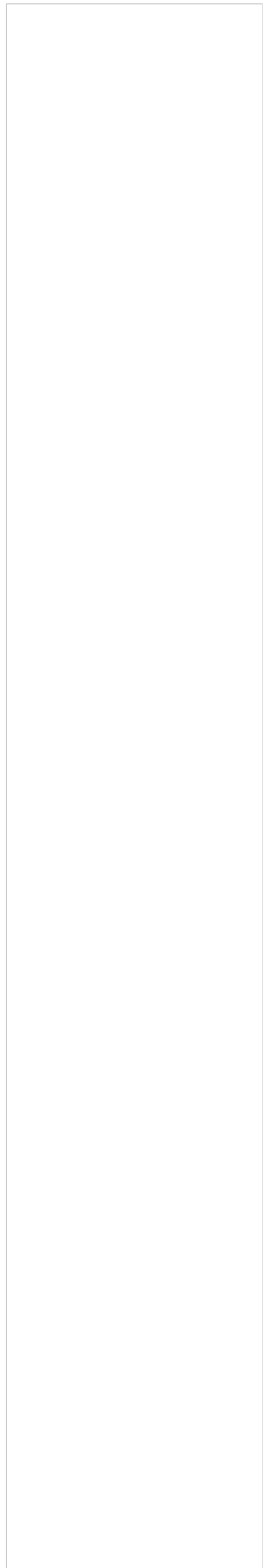


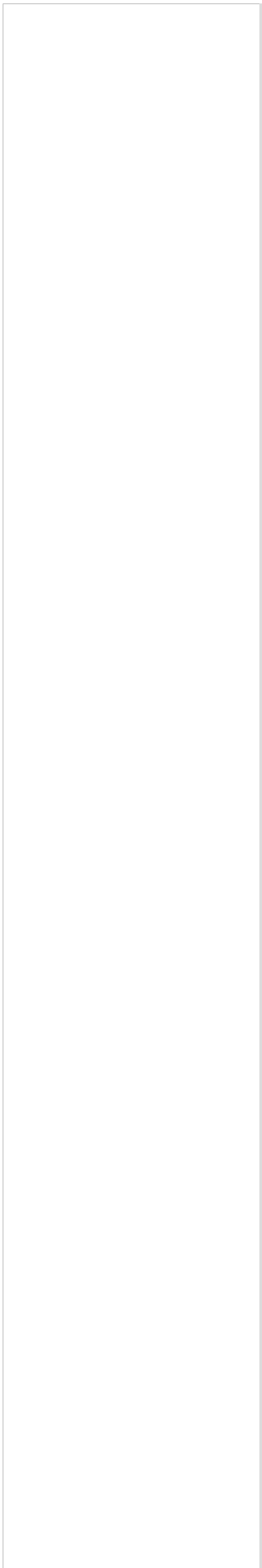


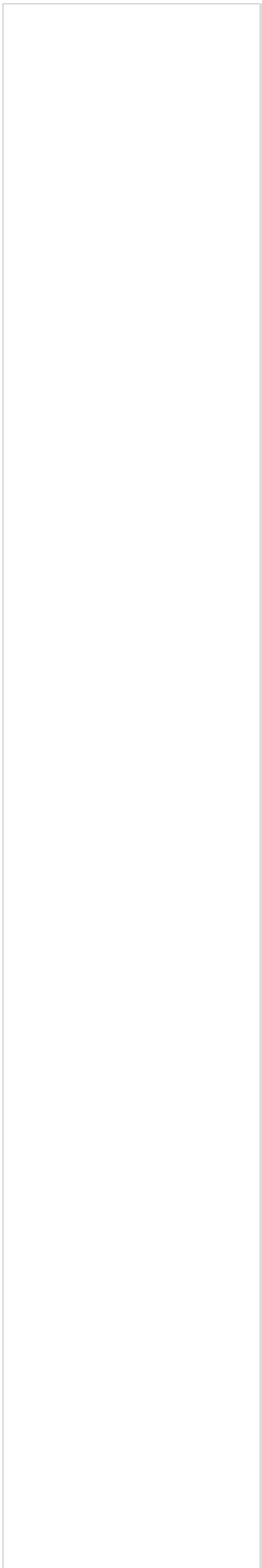


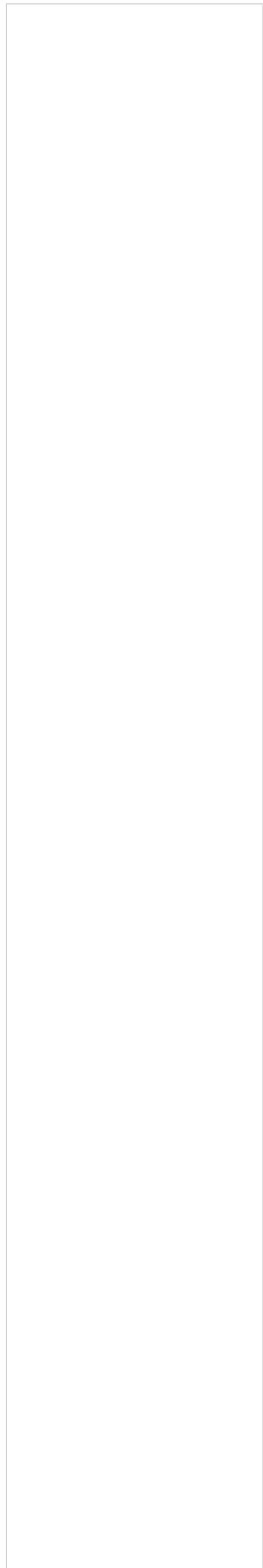


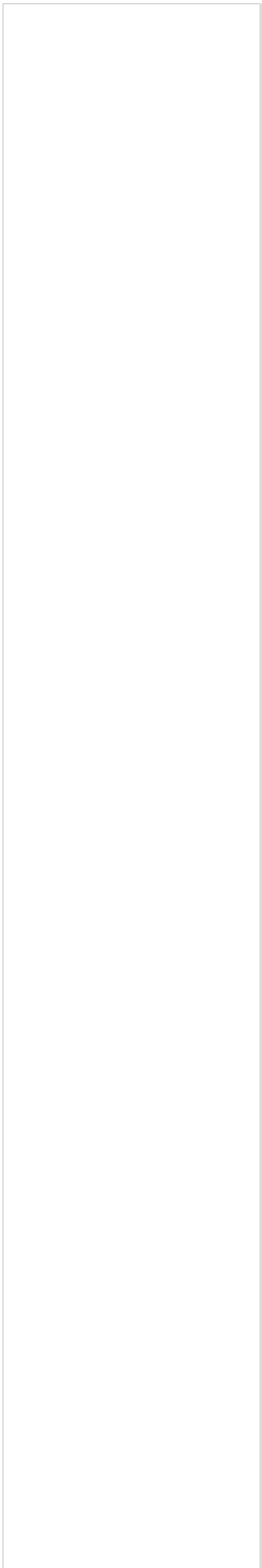


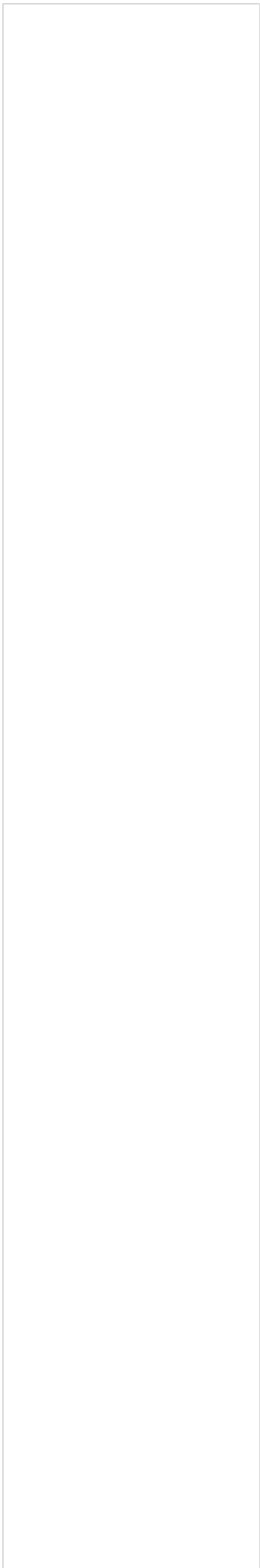


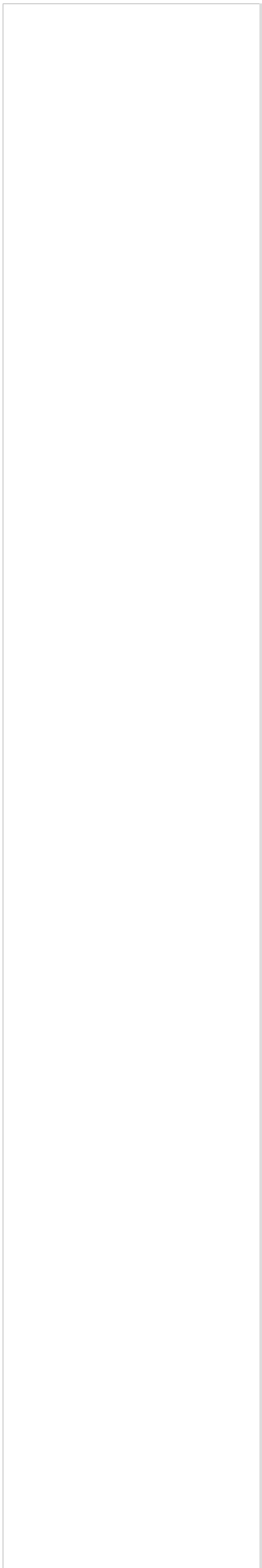


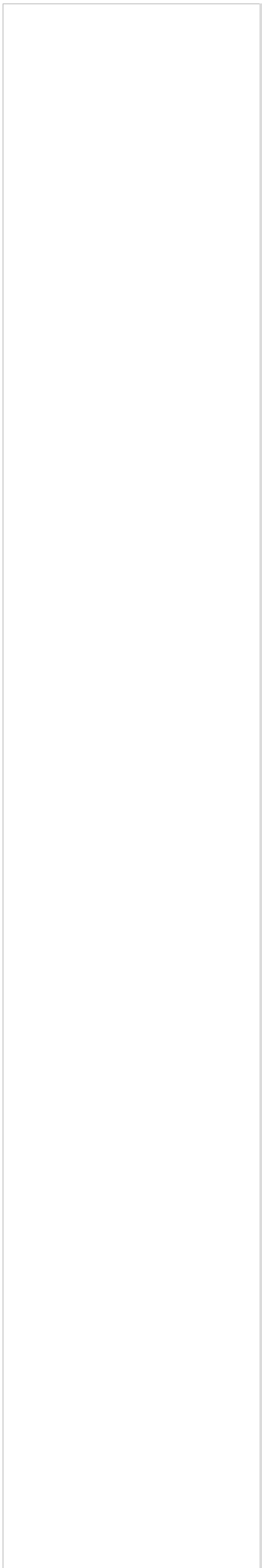


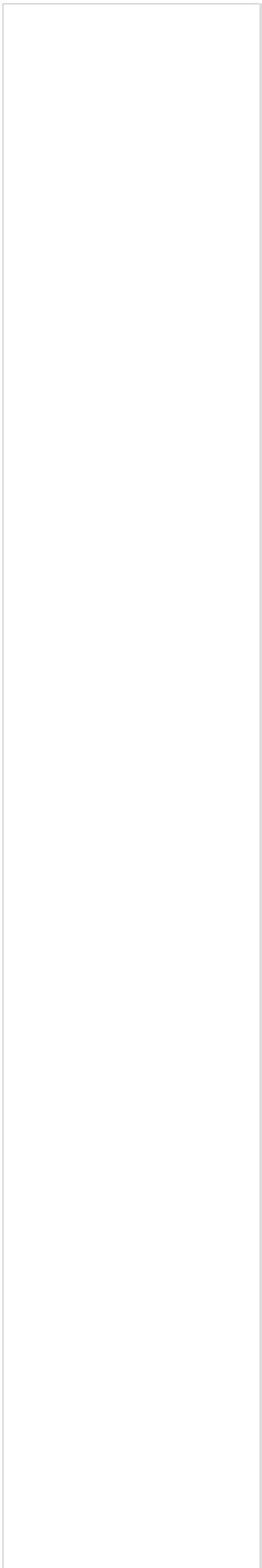


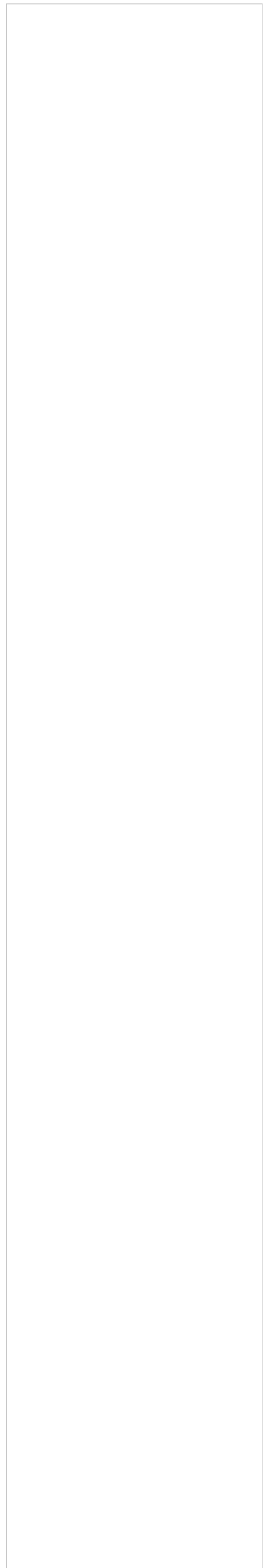


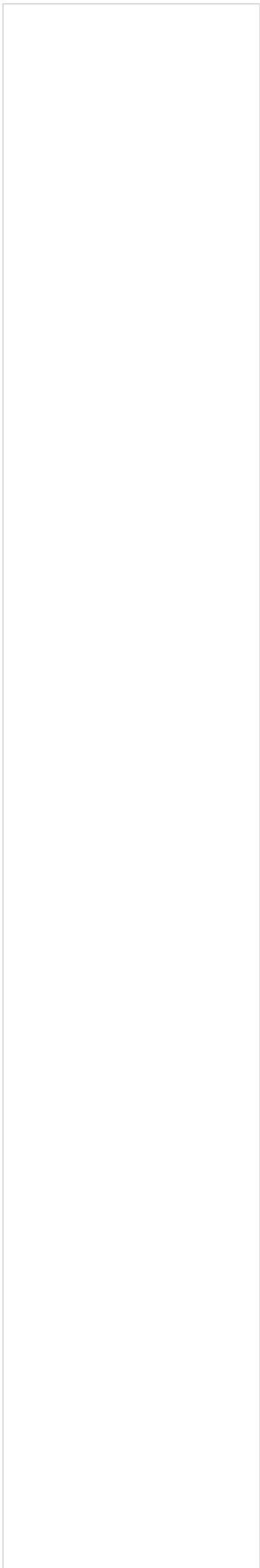


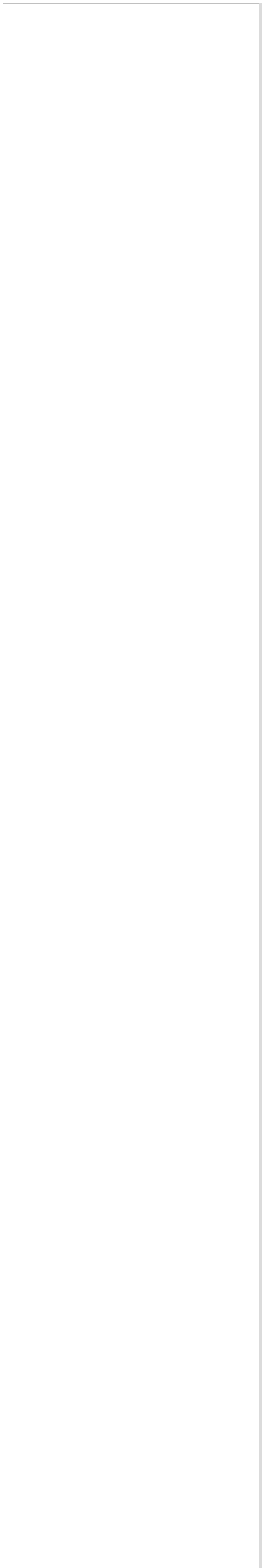


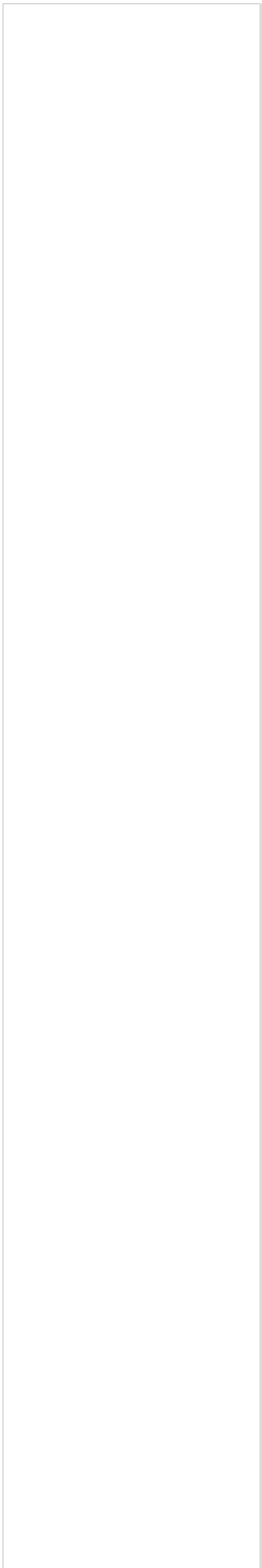


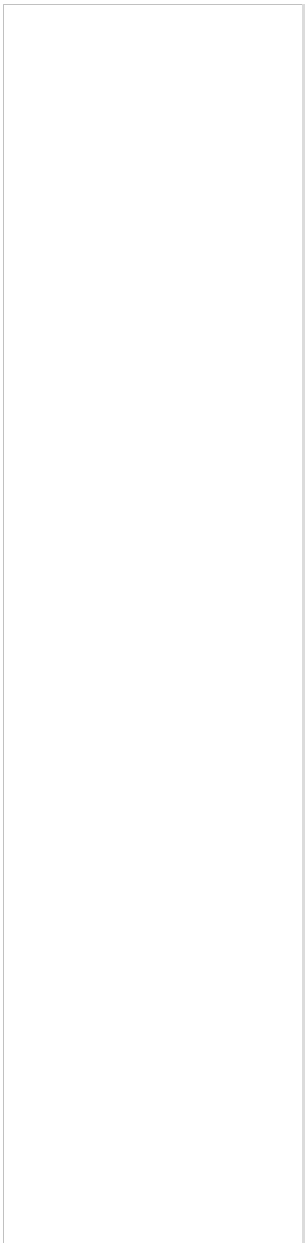












This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.